



آزمون‌یار

حقوق اساسی

ویژه داوطلبان آزمون وکالت و مرکز وکلای قوه قضاییه

- درسنامه جامع به انضمام نکات طلایی و آزمونی
- شامل صدها نکته مهم و کلیدی از مباحث آزمون
- همراه با سوالات طبقه‌بندی شده تألیفی و آزمونی
- با پاسخ‌های کاملاً تشریحی

مولفین:

دکتر مظاهر نامداری

دکتر فضل الله سبحان (رتبه ۲ کنکور دکتری و مدرس حقوق اساسی)

انتشارات
اندیشه‌آرشد

■ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: منابع حقوق اساسی ایران	۸
فصل دوم: مشخصات جمهوری اسلامی ایران	۲۰
فصل سوم: حقوق ملت	۲۴
فصل چهارم: اقتصاد	۳۴
فصل پنجم: حق حاکمیت ملت	۴۲
سؤالات چهار گزینه‌ای فصل پنجم	۴۶
پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل پنجم	۵۷
فصل ششم: قوه مقننه	۶۴
سؤالات چهار گزینه‌ای فصل ششم	۷۶
پاسخنامه سؤالات چهار گزینه‌ای فصل ششم	۹۳
فصل هفتم: شورای نگهبان	۱۱۰
سؤالات چهار گزینه‌ای فصل هفتم	۱۱۴
فصل هشتم: رهبری	۱۲۶
سؤالات چهار گزینه‌ای فصل هشتم	۱۳۴
فصل نهم: قوه مجریه	۱۴۸
سؤالات چهار گزینه‌ای فصل نهم	۱۵۸
پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل نهم	۱۷۳
فصل دهم: سیاست خارجی	۱۸۴
فصل یازدهم: قوه قضائیه	۱۸۸
پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل یازدهم	۲۰۵
فصل دوازدهم: نهادهای اساسی خاص	۲۱۴
سؤالات چهار گزینه‌ای فصل دوازدهم	۲۲۵
پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل دوازدهم	۲۳۲

■ تست‌های تکمیلی

سؤالات چهار گزینه‌ای سری اول	۲۳۹
پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای سری اول	۲۴۲
سؤالات چهار گزینه‌ای سری دوم	۲۴۳
سؤالات چهار گزینه‌ای سری سوم	۲۴۷
پاسخ تشریحی سؤالات چهار گزینه‌ای سری سوم	۲۵۰

۲۵۲.....	سؤالات چهارگزینهای سری چهارم
۲۵۴.....	پاسخ تشریحی سؤالات چهارگزینهای سری چهارم
۲۵۷.....	سؤالات چهارگزینهای سری پنجم
۲۶۰.....	پاسخنامه تشریحی سؤالات چهارگزینهای سری پنجم

■ خودآزمایی

۲۶۴.....	سؤالات خودآزمایی سری اول
۲۶۷.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری اول
۲۶۸.....	سؤالات خودآزمایی سری دوم
۲۷۲.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری دوم
۲۷۳.....	سؤالات خودآزمایی سری سوم
۲۷۷.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری سوم
۲۷۸.....	سؤالات خودآزمایی سری چهارم
۲۸۲.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری چهارم
۲۸۳.....	سؤالات خودآزمایی سری پنجم
۲۸۶.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری پنجم
۲۸۷.....	سؤالات خودآزمایی سری ششم
۲۸۹.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری ششم
۲۹۰.....	سؤالات خودآزمایی سری هفتم
۲۹۳.....	پاسخنامه سؤالات خودآزمایی سری هفتم

■ آزمون های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲

۲۹۴.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۰
۲۹۶.....	پاسخنامه حقوق اساسی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۰
۲۹۷.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۱
۲۹۹.....	پاسخنامه حقوق اساسی کارشناسی ارشد ۱۴۰۱
۳۰۰.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۰
۳۰۲.....	پاسخنامه حقوق اساسی آزمون کانون وکلا ۱۴۰۰
۳۰۵.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۱
۳۰۷.....	پاسخنامه حقوق اساسی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۱
۳۰۸.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۲
۳۱۰.....	پاسخنامه حقوق اساسی کارشناسی ارشد ۱۴۰۲
۳۱۱.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۲
۳۱۳.....	پاسخنامه حقوق اساسی آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۲
۳۱۴.....	سؤالات حقوق اساسی آزمون کانون وکلا ۱۴۰۲
۳۱۹.....	پاسخنامه حقوق اساسی آزمون کانون وکلا ۱۴۰۲

حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران

عناوین اصلی

- منابع حقوق اساسی ایران
- مشخصات جمهوری اسلامی ایران
- حقوق ملت، اقتصاد، حق حاکمیت ملت
- قوه مقننه
- شورای نگهبان
- رهبری
- قوه مجریه، سیاست خارجی
- قوه قضائیه، نهادهای اساسی خاص

فصل اول:

منابع حقوق اساسی ایران

عناوین اصلی

■ منابع خاص

■ منابع عام

فصل اول

منابع حقوق اساسی ایران

مؤلفین و محققین حقوق، یک سلسله منابع را برای حقوق اساسی کشورها معین می‌کنند که بعضی از این منابع، جنبه عام دارد و حقوق اساسی اغلب کشورها متکی به آن است و از آن الهام می‌گیرد و بعضی جنبه خاص دارد.

بخش اول: منابع خاص

مبحث اول: قرآن

قرآن منبع خاص و اساسی‌ترین منبع حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است. حقوقی که اصول، احکام، مبنا و توجهش اسلامی است، باید از قرآن الهام بگیرد. این بحث همیشه مطرح شده که آیا در جامعه اسلامی با وجود و حضور قرآن، قانون اساسی هم می‌تواند وجود داشته باشد و آیا لازم است وجود داشته باشد؟

جامعه اسلامی محتاج قانون اساسی است و تدوین قانون اساسی، تاسیس نیرویی در برابر قرآن یا در عرض آن نیست زیرا قرآن از مبدا فوق آدمی صادر شده در حالی که قانون اساسی هر کشوری به وسیله افراد بشر در سطح کلی تنظیم می‌شود و با اینکه سعی می‌شود ثابت بماند ولی هرگز هیچ قانون اساسی بدون تغییر و اصلاح برای نیم قرن باقی نمانده است.

قانون اساسی ایران، ملهم از قرآن است و در عین اینکه تشکیلات عالیه مورد نیاز کشور و وظایف آنها را با شکل قابل فهم امروزی تعیین می‌کند، به علت بنا شدن بر مبانی اسلام نمی‌تواند در هیچ مورد، تضادی با قرآن داشته باشد و بسیاری از اصول قانون اساسی مستقیماً در ارتباط با آیات قرآن است؛ مثلاً مقدمه قانون اساسی (آیه ۲۵ سوره حدید- آیه ۹۲ سوره انبیاء- آیه ۱۵۷ سوره اعراف- آیه ۱۰۵ سوره انبیاء- آیه ۵ سوره قصص- آیه ۶۰ سوره انفال و...)، اصول ۴ و ۷۲ و ۹۱ و ۱۰۵ و ۱۰۷ قانون اساسی (آیه ۴۴ و ۴۵ سوره مائده- آیه ۵۷ سوره انعام- آیه ۲۲۹ سوره بقره)، اصل ۴۳ قانون اساسی (آیات ۲۷۵ و ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره) و بسیاری از اصول دیگر قانون اساسی که مرجع آنها، آیات شریفه قرآن می‌باشد.

منابع حقوق اساسی در ایران | ۹

همین منبع خاص حقوق اساسی باعث شده که تفاوت بنیادی بین حقوق اساسی ایران با سایر کشورها ایجاد شود و نهادهای مثل شورای نگهبان با حضور اسلام شناسان آگاه، در مقام تطبیق قوانین و تفسیر اصول قانون اساسی برآید.

◀ مبحث دوم: سنت

سنت، منبع خاص حقوق اساسی است و منابع فقه اسلامی (کتاب، سنت، اجماع، عقل) در عین حال که از منابع حقوق اساسی هستند، به قرآن بازگشت دارند. پیامبر با علم الهی که داشت، قوانین اسلام را برای مردم بیان می‌کرد و مراقب بود جز حکم خدا نگوید. جانشینان بر حقّ پیامبر نیز صلاحیت کامل تفسیر احکام و قوانین اسلامی را داشته‌اند و گفتارشان اصالت و سندیت برای کشف حکم خدا را دارد و لذا مجموع گفتار و رفتار پیامبر و امام که سنت و سیره نامیده می‌شوند، از منابع حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند و بسیاری از اصول قانون اساسی، مستقیماً متکی به سنت است. مثلاً در مورد ارتش، حکومت، حقوق انسانی و رهبری به سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه و در خصوص برابری و عدم امتیاز، به سخنان پیامبر اکرم (ص) استناد شده است.

◆ بخش دوم: منابع عام

◀ مبحث اول: قانون اساسی

قانون اساسی متشکل از مجموعه قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه کشور و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های افراد را در مقابل دولت مشخص می‌نماید. حق این است که قانون اساسی محور اصلی نظام سیاسی کشور و نظم دهنده تمام شئون حکومت و تعیین کننده اصلی قوای عالیّه عمومی جامعه باشد. زیرا اجرای دقیق آن، همه راههای استبداد و خودکامگی را مسدود می‌کند و آزادی، حرمت انسانی و حق افراد را تضمین می‌نماید و عدالت اجتماعی و سیاسی را برقرار می‌سازد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ به وسیله مجلس بررسی نهایی، تصویب و به تأیید ملت رسیده است، یک قانون اساسی و مدون می‌باشد. همچنین دارای یک متن و ۱۷۷ اصل در چهارده فصل می‌باشد.

قانون اساسی ایران، طبق آنچه که در ذیل اصل ۱۷۷ آمده است، در اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و اداره کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی، تغییرناپذیر است.

گفتار اول: مراحل تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب، اولین نظرخواهی از ملت صورت گرفت و مردم باید در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به این سوال پاسخ می‌دادند که آیا حکومت جمهوری اسلامی می‌خواهند یا خیر. به همین منظور، در روز ۶ فروردین ۱۳۵۸، شورای انقلاب، سن رای دهندگان را به ۱۶ سال تقلیل داد و با این تصمیم، جمع شرکت‌کنندگان در انتخابات افزایش یافته و به حدود ۲۰ میلیون نفر رسید. نتیجه‌ی referendum با ۹۸/۲٪ آراء، پذیرش نظام جمهوری اسلامی بود.

گفتار دوم: تهیه و تنظیم قانون اساسی

مرحله بعدی، تهیه و تنظیم قانون اساسی بود. در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ شورای انقلاب، قانون انتخابات مربوط به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی را در ۸ فصل و ۴۱ ماده تصویب کرد و براساس آن، ۷۳ نفر عضو مجلس بررسی نهایی قانون اساسی با رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب شدند که این انتخابات در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ صورت گرفت.

سپس مجلس خبرگان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ افتتاح شد و در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ پس از برگزاری ۶۷ جلسه عمومی علنی که اصول تهیه و تنظیم شده در کمیسیون‌ها را در معرض رسیدگی و رأی‌گیری قرار داد، به کار خود خاتمه داد.

گفتار سوم: همه‌پرسی آذر ۱۳۵۸

در مرحله بعد، ملت ایران باید تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کرد و مستقیماً نسبت به قانون اساسی مصوب خبرگان نظر می‌داد. همه‌پرسی در این مورد در آذر ماه ۱۳۵۸ با دو سوال انجام شد: ۱- با اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان موافقت دارید؟ آری ۲- ۲- با اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان موافقت دارید؟ خیر

پرسش اول به رنگ سبز و پرسش دوم به رنگ قرمز چاپ شد تا همه افراد اعم از باسواد و بی‌سواد بتوانند شخصاً اظهار نظر کنند. در راه برگزاری همه‌پرسی حدود ۱۸ هزار شعبه اخذ رای برای تمام کشور پیش‌بینی شده بود.

براساس ارقام وزارت کشور، واجدین شرایط رأی دادن نزدیک ۲۰ میلیون نفر بودند و تعداد شرکت‌کنندگان به رقم ۱۵۷۵۸۹۵۶ نفر رسید. جمع آرای مثبت ۱۵۶۸۰۳۲۹ رأی و مجموع آرای منفی ۷۸۵۱۶ رأی و آراء باطل شده ۱۱۱ رأی بود.

مبحث دوم: قوانین عادی

بسیاری از قوانین عادی نیز منابع حقوق اساسی ما به شمار می‌روند. منظور از قوانین عادی قوانینی است که مجلس تصویب می‌کند و شورای نگهبان آن را تأیید می‌نماید. در مواردی هم که مصوبات مجلس از طرف شورای نگهبان، مغایر با موازین اسلامی یا قانون اساسی شناخته می‌شود و مجلس به عنوان اینکه مصلحت نظام، اقتضای اجرای چنین مصوباتی را دارد و از تأمین نظر شورای نگهبان

منابع حقوق اساسی در ایران | ۱۱

خودداری می‌کند و مجمع تشخیص مصلحت نظام، آن مصوبات را تأیید می‌نماید، این مصوبات عنوان قانون را پیدا کرده و اگر به تشکیلات سیاسی و ارکان حکومت و یا وظایف قوای حاکم ارتباط پیدا کند از منابع حقوق اساسی به شمار می‌رود.

همچنین قوانینی که قانون اساسی تصویب آنها را به صورت خاصی معین نموده است، در ردیف قوانین مصوب مجلس هستند از منابع حقوق اساسی محسوب می‌گردند. (قسمت اول اصل ۱۰۸ - قسمت اخیر اصل ۱۱۲ - اصل ۵۹)

◀ مبحث سوم: نظریات شورای نگهبان

شورای نگهبان طبق اصل ۹۸ قانون اساسی تنها مرجع صالح برای تفسیر قانون اساسی است. شورای نگهبان مصوبات مجلس را با موازین اسلامی و اصول قانون اساسی تطبیق می‌دهد و از مصوبات مخالف آنها جلوگیری می‌نماید. بنابراین نظریات شورای نگهبان از منابع مهم حقوق اساسی ایران می‌باشد. سالهاست که تمام مصوبات مجلس به وسیله شورای نگهبان با قانون اساسی تطبیق داده شده و صدها مورد مصوبه، مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته شده و مجلس درصدد تأمین نظریات این شورا برآمده است و گاهی شورای نگهبان، یک مصوبه را چندین مرحله به مجلس بازگردانده و نکات اصلاح شده را کافی ندانسته است. لذا فقهای شورای نگهبان با ابطال قوانین مخالف شرع و قانون اساسی موجب تحرک قانون اساسی می‌گردند.

◀ مبحث چهارم: عرف و عادت

یکی دیگر از منابع حقوق اساسی ایران، عرف و عادت است که در ارتباط با حقوق اساسی باشد. البته عرف و عادت با سنت که قبلاً در مورد آن ذکر کردیم تفاوت دارد. زیرا سنت، مربوط به گفتار و رفتار پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) است ولی عرف و عادت مورد نظر ما، رویه و خط مشی مکرر ارکان حکومت است که به مرور تثبیت می‌شود. مثلاً در قانون اساسی تصریح شده است که هنگام ادای سوگند ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان و رئیس قوه قضائیه (که قبلاً رئیس دیوان عالی کشور بود) باید حاضر باشند. اما در هنگام ادای سوگند اولین رئیس جمهوری، رئیس قوه قضائیه مبادرت به ایراد سخنرانی نمود و از آن زمان به بعد، هرگاه چنین مراسمی برگزار شده است، سخنرانی رئیس قوه قضائیه به صورت یک عرف و عادت پذیرفته شده و انجام می‌شود.

◀ مبحث پنجم: احکام و فرامین رهبری

احکام رئیس مملکت یا مقام رهبری یعنی شخصیتی که در رأس هرم قدرت قرار دارد، از دیگر منابع حقوق اساسی ما می‌باشد. در بعضی کشورها، در دوره‌های بحرانی، اختیارات فوق قانوناً به رئیس مملکت داده می‌شود. مثل زمان جنگ که در چنین حالتی، تصمیماتی که رهبر می‌گیرد و فرامینی که صادر می‌کند از منابع حقوق اساسی است.

در جمهوری اسلامی ایران با موقعیتی که رهبر به عنوان ولی امر دارد و اینکه قوای سه گانه زیر نظر او اقدام می‌نمایند و اینکه به عنوان مرجع تجلی مشروعیت به ارکان حکومتی است، فرامین و احکام او از منابع پر قدرت حقوق اساسی محسوب می‌گردد. زیرا تمام اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، طبق قانون اساسی به وسیله رهبری معین می‌شوند و همین مرجع می‌تواند مصوباتی را که بنابر تصمیم شورای نگهبان، خلاف موازین شرع و قانون اساسی شناخته شده به لحاظ مصلحت نظام، عنوان قانون بدهد و این تصمیم، انعکاسی از فرامین رهبری است. همچنین بر طبق قانون اساسی، مقام رهبری حکم رئیس جمهوری منتخب را امضاء می‌کند. (البته نظر امام خمینی (ره) این بود که این امضاء، تنفیذ است و به انتخاب ملت مشروعیت می‌بخشد.)

◀ مبحث ششم: رویه قضایی و نظرات محاکم

در بعضی از کشورها تفسیر قانون اساسی با محاکم است و در نتیجه، رویه‌ای که از تفسیر مکرر به وسیله قضات از یک اصل قانون اساسی حاصل می‌شود به صورت رویه قضائی در می‌آید. در ایران و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین حقی به قوه قضائیه واگذار نشده اما به حکم استقلالی که قاضی دارد، طبعاً تصمیماتی که در موارد مشابه اتخاذ می‌شود حالت رویه قضایی را پیدا می‌کند و مواردی که در ارتباط با ارکان قوای حاکم یا حقوق و آزادی‌ها و محدودیتهای آن باشد، جزء منابع حقوق اساسی به شمار می‌رود.

در این مورد باید توجه کنیم که گاهی در محاکم ایراد گرفته می‌شود که فلان قسمت از مقررات با قانون اساسی منطبق نیست. البته حکم حق ندارد با وجود شورای نگهبان در مورد برابر قوانین با قانون اساسی اعلام نظر کند اما در مورد مقررات پایین‌تر از قانون مثل تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولت مکلف به اعمال نظر می‌باشند و اگر مواردی را مغایر یافتند به آن ترتیب اثر نمی‌دهند و در اینجا، دیوان عدالت اداری که مرجع رسیدگی به شکایت علیه آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها است، حق ابطال آنها را دارد و لذا، نظریات دیوان عالی اداری و تکرار آنها از منابع حقوق اساسی است. زیرا همین که دیوان عدالت اداری مواد یا بندهایی از یک تصویب نامه را به لحاظ مغایر با قانون اساسی ابطال می‌نماید به این معنی است که اصول قانون اساسی را مورد بحث و تفسیر قرار داده است.

◀ مبحث هفتم: آیین نامه داخلی مجلس

معمولاً اصول قانون اساسی کلی است و جزئیات به قوانین واگذار می‌شود. مجالس مقننه، آیین نامه داخلی خود را که طبق آن، وظایف خود و از جمله قانون‌گذاری را انجام می‌دهند خود تصویب می‌کنند و این قبیل آیین نامه‌ها دنباله اصول قانون اساسی است و به عبارتی، مبین و مفسر و مکمل آن اصول است.

آیین نامه داخلی مجلس که یکی از منابع حقوق اساسی شناخته می شود حاوی تمام جریانات مجلس از زمان افتتاح تا اختتام می باشد و مقررات مربوط به هیئت رئیسه (سِنّی، موقت، دائم)، اعضای هیأت رئیسه اعم از رئیس، نواب رئیس، کارپردازان و منشی ها، زمان رسمیت یافتن مجلس، ترتیب مطرح شدن لوایح و طرح ها در کمیسیون ها، جلسه علنی مجلس، ترتیب اداره جلسات و چگونگی طرح پیشنهادات، حضور رئیس جمهوری در مجلس و مقررات مربوط به سؤال و استیضاح و... در آن منعکس است.

◀ مبحث هشتم: نظرات مشورتی و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام

با وضعی که مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل گردیده و جایگاهی که در حقوق اساسی ایران پیدا نموده، نظرات و تصمیماتش از منابع حقوق اساسی ما به شمار می رود. زیرا این نهاد در بسیاری از مسائل، ظرف مشورت رهبری واقع می شود و در بعضی موارد، وقتی که مجلس به عنوان ضرورت مصلحت نظام تسلیم نظریات شورای نگهبان نمی شود، مجمع تشخیص مصلحت نظام اتخاذ تصمیم می نماید و در همین نقطه است که قانون اساسی شناور می شود و اتکایی را که باید کشور و نظام داشته باشد از دست می دهند و این نهاد براساس بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نسبت به مشکلات نظام که طرق عادی قابل حل نباشد، راه حل مناسب را می یابد. این مجمع با استناد به بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تاکنون در موارد متعددی، مصوبات قانون مانند داشته و در پاره ای موارد خاص، تصمیمات اجرایی می گیرد مانند انتخاب یکی از فقهای شورای نگهبان برای عضویت در شورای موقت رهبری و همکاری با این شورا. (اصل ۱۱۱)

◆ بخش سوم: اصل سوم قانون اساسی

اصل سوم در فصل اصول کلی قانون اساسی در مقام آن برآمده تا همه آنچه را که یک اجتماع و مترقی رو به تکامل باید دارا باشد و حرکت خود را بر آن مدار تنظیم نماید در فرازهایی تصریح کند و دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف سازد که همه امکانات خود را در تحقق آن به کار اندازد تا جامعه اسلامی واقعیت پیدا کند و نمونه و الگویی برای سایر کشورها و انسان ها باشد.

■ عمده مطالب عنوان شده در اصل سوم قانون اساسی به شرح زیر می باشد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر و فساد و تباهی
۲. بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی

۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان
۱. طرد کامل استعمار، جلوگیری از نفوذ اجانب
۲. محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی
۳. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
۴. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش
۵. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی
۶. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری
۷. تقویت کامل بینه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور
۸. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در

■ زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه

۱. تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی و امور نظامی و . . .
۲. تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون
۳. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم
۴. تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام

◆ بخش چهارم: حاکمیت ملت در چارچوب حاکمیت مذهب

حاکمیت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع کاملاً متفاوتی از دیگر کشورها دارد زیرا از یک طرف حاکمیت موازین اسلامی را پذیرفته و هم به حاکمیت ملت بها داده شده است و آن را در قالب حاکمیت موازین اسلام، به شکلی خاص متبلور ساخته است.

■ اکنون چند نظریه در اعمال حاکمیت را بیان می‌کنیم:

۱. کسانی که اختیارات و اقتدارات حکومتی را ناشی از خود می‌دانستند و حضور خود را در رأس قدرت و حکومت، حق ذاتی خود می‌شناختند. این افراد حکومتی استبدادی برپا می‌ساختند و نه جایی برای اقتدار مذهب قائل بودند و نه به ملت بهایی می‌دادند.

منابع حقوق اساسی در ایران | ۱۵

۲. فرمانروایانی که اقتدارشان را از جانب خداوند می‌دانستند و به دو صورت ظهور می‌کردند، یکی پیشوایان مذهبی که در عین رهبری مذهبی، اقتدار سیاسی هم داشتند و دیگری، قدرتمندان سیاسی که به نام سلطان و شاه و با ادعای تأیید از جانب خداوند، اعمال حاکمیت می‌کردند.

۳. حکومت‌کنندگانی که با ادعای نمایندگی از جانب ملت و به دلیل منتخب بودن، اعمال حاکمیت می‌کردند. به این نوع حکومت عنوان دموکراسی داده و مذهب، اثباتاً یا نفیاً داخلی در انتخاب و اعمال قدرت آنها ندارد.

در جمهوری اسلامی ایران، هم حاکمیت مذهب (موازین اسلامی) اعلام شده و هم حاکمیت ملت و سعی شده است این دو با هم پیوندی مستحکم داشته باشند. یعنی از یک طرف اصل چهارم و پنجم قانون اساسی را داریم و در مقابل ۷ اصل ششم و ۱۰۷ قانون اساسی را می‌بینیم. یعنی طبق اصل چهارم، کلیه قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد و طبق اصل پنجم، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوی و... است. در حالی که طبق اصل ۱۰۷، رهبر منتخب غیرمستقیم مردم است و مردم ابتدا خبرگان را بر می‌گزینند و آنها هم رهبر را انتخاب می‌کنند و همچنین طبق اصل ششم، اداره امور کشور باید با اتکاء به آراء عمومی باشد و رئیس جمهوری نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراها از جانب مردم انتخاب شوند.

و در نهایت، اصل ۵۶ قانون اساسی نقطه اتصال حاکمیت مذهب و حاکمیت ملت می‌باشد. برابر این اصل: «حاکمیت بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع خود یا گروهی خاص قرار دهد و ملت، این حق خداداد را از طرفی که در اصول دیگر قانون اساسی می‌آید اعمال می‌کند.» اکنون که وضع حاکمیت دین و مذهب در ایران شناخته شد، لازم است بدانیم وضع پیروان ادیان و مذهب چگونه است؟

■ پاسخ این سوال را اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی که آخرین اصول فصل اول قانون

اساسی هستند ارائه می‌دهند:

الف) دین رسمی ایران، اسلام و مذهب، جعفری اثنی عشری است و این اصل، الی الابد غیرقابل تغییر است و همه قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد و ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل است و رئیس جمهور باید مسلمان باشد.

ب) پیروان دیگر مذاهب اسلامی (غیر از شیعه) اعم از حنفی، شافعی مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) و دعاوی مربوط به آن، در دادگاه‌ها رسمیت دارند. پیروان هریک از این مذاهب اسلامی هرگاه در منطقه‌ای از کشور اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها، برطبق همان مذهب خواهد بود البته با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

ج) اقلیت‌های دینی شناخته شده یعنی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی در حدود قانون، در انجام دینی آزادند و در تعلیمات دینی و احوال شخصیه برطبق آیین خود عمل می‌کنند. بدیهی است مراسم دینی آنها باید در وضعی انجام پذیرد که با نظم جامعه برخورد نداشته باشد.

د) وضع صاحبان عقاید دیگر، یعنی ایرانیانی که مسلمان نبوده و متدین به یکی از ادیان رسمی شناخته شده و در ایران نیز نمی‌باشند را اصل ۱۴ قانون اساسی معین ساخته و اعلام داشته است که دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان باید با آنها، با اخلاق حسنه و عدل اسلامی رفتار نموده و حقوق انسانی آنها را رعایت کنند.

این افراد می‌توانند در جامعه اسلامی زندگی کنند، شغل و مسکن داشته باشند، آزادانه رفت و آمد کنند، گذرنامه دریافت نمایند و از مراجع قضایی و سازمان‌های اداری بهره ببرند و البته مکلف هستند مانند دیگران مالیات پرداخت کنند.

این قبیل افراد که تعدادشان احتمالاً بسیار کم است نمی‌توانند مراسم خاص دینی برای خود قائل بوده و علناً آزادانه به آن بپردازند و یا در مدارس، تعلیمات دینی مخصوصی را تدریس نمایند یا به آنها تدریس شود.

البته در پایان اصل ۱۴ قانون اساسی آمده است: «این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضدّ اسلام و جمهوری اسلامی ایران، توطئه و اقدام نکنند.»

♦ بخش پنجم: وحدت ملل اسلامی

از آنجا که حقوق اساسی ما بر پایه مکتب اسلام بنا شده و اسلام همه مسلمانان را یک امت واحد می‌شناسد، قوانین مصوب باید نزدیکی کشورهای اسلامی را مدّ نظر داشته باشند. فرضاً اگر دولت ایران خریدهایی دارد در درجه اول باید متوجه کشورهای اسلامی باشد و اگر می‌خواهد دانشجویانی را بپذیرند و بورس بدهد باید از دانشجویان مسلمان دعوت کند و اگر روابط سیاسی برقرار می‌سازد باید اولویت را به کشورهای اسلامی بدهد.

♦ بخش ششم: استقلال، وحدت، تمامیت ارضی و حدود آزادی

یکی از مسائلی که همواره در اجتماعات مطرح است و غالباً دولت را در مقابل ملت یا گروههایی از مردم را مقابل دولت قرار می‌دهد، مسأله حفظ استقلال و وحدت و تمامیت ارضی است. زیرا دولت‌ها در پناه این موارد به آزادی افراد تجاوز می‌کنند، مطبوعات را تعطیل کرده و اجازه اجتماعات را نمی‌دهند و استدلال می‌کنند که افراد یا گروههایی از آزادی سوء استفاده می‌کنند و به بهانه آزادی، خواهان تجزیه بوده و به استقلال کشور لطمه وارد می‌سازند.

منابع حقوق اساسی در ایران | ۱۷

قانون اساسی ایران در ضمن اصول کلی اعلام داشته: «هم باید استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور محفوظ بماند و هم آزادی افراد ملت مورد تجاوز قرار نگیرد و آزادی و استقلال غیرقابل تفکیک می‌باشند. لذا هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

فصل دوم:

مشخصات جمهوری اسلامی ایران

عناوین اصلی

- زبان رسمی
- مبدأ تاریخ رسمی ایران
- پرچم

فصل دوم

مشخصات جمهوری اسلامی ایران

فصل دوم قانون اساسی با چهار اصل به علائم و مشخصات جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است که هریک را به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

بخش اول: زبان رسمی

زبان رسمی جمهوری اسلامی ایران زبان فارسی است و مذاکرات پارلمان، جریان رسیدگی دادگاه‌ها، مکالمات ادارات و سازمان‌های دولتی با ارباب رجوع و سخنرانی‌ها در مجالس و کمیسیون‌ها و کمیته‌ها و سمینارهای رسمی و قانونی، همه به زبان رسمی فارسی صورت می‌گیرد و همچنین رادیو و تلویزیون، برنامه‌های اصلی خود را به زبان فارسی پخش می‌کند.

البته مردم از صحبت به زبان محلی و قومی خود، مثل آذری یا کردی و یا لهجه‌های محلی و ناحیه‌ای ممنوع نیستند اما به موجب قانون اساسی، زبان فارسی که زبان اکثریت مردم می‌باشد زبان رسمی ایران بوده و همه مراکز آموزشی از دبستان و دبیرستان و دانشگاه، در تدریس و تفهیم مطالب درسی باید از این زبان استفاده کنند. (اصل ۱۵ قانون اساسی)

بخش دوم: وضعیت زبان عربی

چون قانون اساسی ایران متکی به موازین اسلامی است و قرآن که محور احکام اسلام به شمار می‌رود به زبان عربی نازل گردیده و همچنین بخش عظیمی از ادبیات کشور، آمیختگی غیرقابل تفکیکی با ادبیات عرب دارد، مدوّنین قانون اساسی، اصل ۱۶ را به آن اختصاص داده‌اند و تصریح نموده‌اند که: «این زبان باید پس از دوره ابتدایی، تا پایان دوره متوسط در همه کلاس‌ها و همه رشته‌ها تدریس می‌شود.»

◆ بخش سوم: مبدأ تاریخ رسمی ایران

طبق اصل ۱۷ قانون اساسی: «مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری، هر دو معتبر است. اما مبنای کار ادارات دولتی، هجری شمسی است و تعطیل رسمی هفتگی، روز جمعه می‌باشد.»
بنابراین مبدأ تاریخ اسلامی، خواه هجری شمسی و خواه هجری قمری، هجرت پیامبر (ص) می‌باشد که آغاز تشکیل حکومت اسلامی شناخته می‌شود.

◆ بخش چهارم: پرچم

پرچم علامت کشور مستقل است و نمودار زندگی و حیات و موجودیت است.
پرچم جمهوری اسلامی ایران، از همان سه رنگ سبز و سفید و سرخ پرچم قبل از انقلاب تشکیل شده که علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران و شعار (ا. . . اکبر) به آن اضافه شده است.
رنگ سبز که در قسمت بالا قرار دارد نشانه تشییع و اسلامیت ایران و اعتقاد اکثریت مردم به دین مقدس اسلام می‌باشد. رنگ سفید که در قسمت وسط قرار دارد نشانه صلح و دوستی است و رنگ سرخ که در قسمت پایین پرچم قرار گرفته، علامت آمادگی برای دفاع و جهاد بوده و نشان می‌دهد که ملت ایران، در راه استقلال و آزادی و حفظ ارزش‌های اسلامی، آماده فداکاری و ایثار و نثار خون خویش می‌باشد.

علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران که روی پرچم، منقوش است بیانگر توحید یعنی (لا اله الا الله) می‌باشد که از پنج جزء تشکیل شده و حکایت از پنج اصل اعتقادی در اسلام دارد. (توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل) و در عین حال، در نظر اول، کلمه (الله) را یادآور می‌شود و جزئی از این کلمه که به صورت قائم در وسط دو هلال قرار گرفته، نمایشگر شمشیر است و دلالت بر قدرت و استحکام ملت دارد و اجزاء پنجگانه این کلمه که بصورت متعادل و هماهنگ قرار گرفته اند، مبین عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

همچنین شعار (الله اکبر) که در جریان انقلاب بیش از اسلحه کاربرد داشت، به خاطر یادآوری ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بیست و دو بار با خط بنایی در حاشیه رنگ سبز و سرخ، در محل اتصال به رنگ سفید نقش بسته است.

فصل سوم:

حقوق ملت

عناوین اصلی

- آزادی
- تساوی
- حقوق ناشی از اجرای عدالت

فصل سوم

حقوق ملت

♦ بخش اول: آزادی

در یک تعریف ساده «آزادی عبارت است از اینکه شخص، اختیار انجام دادن هر کاری را داشته باشد مشروط بر اینکه ضرری به دیگر نرسد و این شرط، آزادی هرکس را در مقابل دیگری محدود می‌سازد.» در واقع، مبین حدود آزادی افراد، قوانین موضوعه است.

می‌توان انواع زیر را برای آزادی متصور شد:

۱. **آزادی فردی:** همان آزادی تن است و عبارت است از وضع و موقعیتی که اجبار افراد و جامعه و هر نیروی خارج از اراده شخص، به حداقل ممکن کاهش یابد. به عبارت دیگر، حالتی است که انسان تابع یک طرفه دیگری نباشد و در هر مورد، بنا بر تصمیم خود اقدام کند. مثلاً شخص در رفت و آمد، اقامت و ترک هر نقطه چه در کشور و چه در خارج از کشور آزاد بوده و از توقیف بدون دلیل، مصون و محفوظ بماند.

۲. **آزادی تعلیم و تربیت:** منظور از آزادی تعلیم و تربیت این است که اشخاص حق داشته باشند با تأسیس مدارس و ایجاد آموزشگاه و مراکز پرورشی، فرزندان خود را آموزش داده و تربیت کنند و دولت هم ممانعتی به عمل نیاورد.

بدیهی است آزادی مطلق و نامحدود در این مورد، در هیچ جامعه‌ای امکان‌پذیر نیست و معمولاً قوانینی برای مؤسسان و مدیران در نظر می‌گیرند و قانون اساسی ایران نیز بر آموزش و پرورش رایگان تاکید دارد نه بر آزادی آموزش و پرورش و دولت را مکلف به فراهم ساختن امکانات لازم نموده است. ولی این امر به هیچ وجه دلالت بر محدودیت آزادی تعلیم و تربیت ندارد بلکه عنوان شده، غیر از دولت، افراد نمی‌توانند به تأسیس آموزشگاه مبادرت نمایند. (هرچند که امروزه مدارس انتفاعی و آموزشگاه‌های خصوصی به وفور دیده می‌شوند و البته آنها نیز موظف به کسب مجوز از وزارت آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد دولتی هستند.) اکنون یکی از حقوق ملت یعنی آزادی را در قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

◀ مبحث اول: آزادی بیان و مطبوعات

افراد باید بتوانند آنچه را درک می‌کنند و می‌فهمند و اعتقاد دارند، بیان کرده و یا از طریق کتاب و مطبوعات به دیگران منتقل سازند. در این ارتباط، اصل ۴۴ قانون اساسی تصریح می‌کند: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد و تفصیل این امر را قانون معین می‌کند.» (قوانین عادی).

همچنین آزادی بیان، از اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی نیز مستفاد می‌گردد.

آثار آزادی بیان و مطبوعات عبارتند از:

الف) مدیران جامعه از تمایلات و خواسته‌های طبقات مختلف مردم آگاهی پیدا نمایند و احتمالاً خود را اصلاح کنند.

ب) با بیان نقطه ضعف‌ها و اشتباهات و یا سوء استفاده‌های تحقق یافته، افراد صلاحیت‌دار در مقامات کلیدی قرار گیرند.

◀ مبحث دوم: آزادی احزاب و انجمن‌ها

دو اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی به کلیات مربوط به آزادی احزاب و انجمن‌ها و شرایط و حدود فعالیت آنها پرداخته است و تمام واژه‌هایی که برای اجتماعات وجود داشته است، از حزب و جمعیت و انجمن سیاسی و انجمن صنفی و انجمن اسلامی و اقلیت‌های دینی را به کار گرفته است و تشکیل چنین اجتماعاتی را آزاد شناخته است اما نه بدون قید و شرط، بلکه احزاب و جمعیت‌هایی می‌توانند قانونی باشند که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. (البته ضرورت ندارد اعضای یک جمعیت، به این اصول اعتقاد داشته باشند بلکه باید آنها را رعایت نمایند. همچنین دولت نمی‌تواند اشخاص را در پیوستن یا گسستن از یک حزب الزام نماید. و دیگر اینکه، احزاب، انجمن‌ها و جمعیت‌ها می‌توانند اجتماعاتی داشته و راهپیمایی کنند مشروط بر اینکه: اولاً حرکتی منحل به مبانی اسلام نداشته باشند، ثانیاً حامل اسلحه نباشند.

◀ مبحث سوم: آزادی انتخاب شغل

■ در این زمینه، نکات زیر قابل طرح می‌باشد:

۱. آزادی انتخاب شغل در اصل ۲۸ قانون اساسی به صراحت ذکر شده است: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است. برگزیند.» تمایل شخص در انتخاب شغل، مجموعه‌ای از عوامل محیطی، وضع خانواده، حرفه نزدیکان شخص، درجه کشش فرد به جهات معنوی و مادی شغل و... است. البته بعضی از مشاغل محتاج تخصص‌هایی هستند که فرد زمانی می‌تواند بدان مشاغل روی آورد که صاحب آن تخصص‌ها باشد. (مانند پزشکی و مشاغل فنی)